هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

کنفرانس پاریس مسؤولیت دولت را سنگین تر می سازد
ص۲

فقر کشندهٔ کنونی و تأثیرات ویرانگر آن
ص۳

آدرس مجاهد در اینترنت
www.mujahedweekly.com

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ چهارم شنبه ۲۵ جوزا ۱۳۸۷- ۹ جمادی الثانی ١٤٢٩ 14, Jun 2008

دستآوردها و چالش ها در
کنفرانس پاریس



کنفرانس پاریس با ریاست مشترک حامد کرزی، سارکوزی و بان کیمون، در پاریس برگزار گردید. در این کنفرانس دو روزه که به تاریخ ۲۴ و ۲۵ ماه جوزا دایر شد (۶۵) کشور و (۱۵) سازمان بین المللی اشتراک نمودند و ۲۰,۴ میلیارد دالر را تا ۵ سال آینده به افغانستان تخصیص دادند. علاوه بر رؤسای این کنفرانس، لورا بوش خانم رئیس جمهور امریکا و رایس وزیر خارجهٔ آن کشور، میلیباند وزیر خارجهٔ انگلیس از اشتراک کنندگان عمدهٔ کنفرانس پاریس بودند. هیأت افغانستان تحت ریاست رئیس جمهور و با عضویت وزرای خارجه، اقتصاد، مالیه و برخی مسؤولین دیگر در کنفرانس پاریس اشتراک کردند. کای آیده نمایندهٔ سرمنشی سازمان ملل نیز در این کنفرانس شرکت نمود.

کنفرانس پاریس چهارمین کنفرانس پس از کنفرانس های برلین، توکیو و لندن می باشد که جهت توسعهٔ افغانستان برگزار می گردد. **ادامه در ص۲**

خاطراتی از پروفیسور برهان الدین ربانی



نهضت اسلامی در خارج کشور بازسازی می شود

تلویزیون نور به مناسبت هشتم ثور سالروزپیروزی جهاد مردم افغانستان مصاحبه یی با پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت انجام داده است که در بخش سوم این مصاحبه استاد از فعالیت های خویش جهت سازماندهی مجدد نهضت اسلامی در خارج کشور می گویند که خدمت خوانندگان هفته نامهٔ مجاهد تقدیم می شود **ادامه در ص۵**

قرارداد استخراج معدن مس عینک
سؤال ها و چالش ها
ص۳





به ادامهٔ مکتب سوزی ها و به شهادت رسانیدن معلمان و شاگردان، این بار نیز مکتب دخترانهٔ در ولسوالی خنجان ولایت بغلان به دست دشمنان علم دانش طعمهٔ حریق گردید. و صفی الله مدیر لیسهٔ چکنوی ولایت ننگرهار در منزلش به شهادت رسید.

امروز یک بخش حوادث ناگوار در کشور، آتش زدن نهادهای تعلیمی و تربیتی ، قتل و تهدید معلمان و شاگردان توسط افراد ناشناس است که عمدتاً به گروه طالبان منسوب می شوند.

در نتیجهٔ این حوادث شاگردان از رفتن به مکتب و آموختن علم و دانش باز می مانند، در رشد کیفی معارف اثر سوء بجا می گذارد.

بعد از سقوط طالبان و آمدن حکومت موقت، سیستم معارف از لحاظ کمی رشد داشته، اما از لحاظ کیفی تغییری چندانی در آن دیده نمی شود، **ادامه در ص۸**

تراژیدی معارف ادامه دارد

ثامر

افغان ولسمشر حامد کرزی:
لورا بوش د افغانانو ډیر ښه ملګرې ده



د دولت د ویاند د دفتر د یو خبر له مخې، په هغه لیدنه کې چې د یکشنبې په ورځ د ماسپخین وروسته د هېواد د ولسمشر کرزي او د امریکا د لومړنۍ میرمنې "لورا بوش" ترمینځه ترسره شوه او پکې دواړو لور یو د سیمې پروضع، د دوه اړخیزو اړیکو په پراختیا، ښوونې او روزنې او د کاري ظرفیت او د ښځو د پوهې د سطحې د لوړتیا په هکله خبرې وکړې، لورا بوش د افغانستان سره به هېواد کې د امریکایي پوهنتون د خانګې او لیک لوست **پاتې ۸ مخ**

د امریکا د ولسمشر مشر ښځې "لورا بوش" له حامد کرزی سره د یوې لیدنې پرمهال د دغه هېواد لخوا اتیا میلیونه ډالر مرسته اعلان کړه.

افزایش تجاوز جنسی بر کودکان نگران کننده است

محمود الله فیروز



بازوحشتناکتر این که چگونه می توان کودکی را پس از تجاوز به قتل رساند؟ **ادامه در ص۶**

اخیراً گزارش هایی از تجاوز جنسی بر کودکان در کشور منتشر شده تجاوز بر یک دختر هشت ساله در ولایت تخار و کشتن وی پس از انجام عمل و همچنان تجاوز یک افسر اردوی ملی بر یک دختر خردسال بیانگر چنین وحشتی است. ظرف ماه جاری گروهی از افرادی که به تجاوز جنسی بر کودکان و فیلم برداری از آنان متهم بودند، از سوی افراد امنیتی در ناحیهٔ هفتم کابل دستگیر شدند.

بدون شک شنیدن خبر تجاوز جنسی بر کودکان قلب هر شنونده را منزجر می سازد. از نظر افرادی که ایمان و وجدان سالم دارند چگونه ممکن است انسانی کودکی را مورد استفادهٔ جنسی قرار دهد و

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahed1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

کنفرانس پاریس مسؤولیت های دولت را سنگین تر می سازد

کنفرانس پاریس با اشتراک ۸۰ کشور و نهاد بین المللی به تاریخ ۲٤و۲۵ جوزا در پاریس برگزارگردید. این کنفرانس که بریاست مشترک روسای جمهور افغانستان، فرانسه وسر منشی ملل متحد برگزار گردید، کشورها، و نهاد های اشتراک کننده ۲۰،٤ ملیارد دالر را برای پنج سال آینده جهت کمک به افغانستان اختصاص دادند. این بزرگترین تعهد بین المللی جهت توسعهٔ افغانستان می باشد. افغانستان هیچ گاهی تا این حد در مرکز توجه جامعه جهانی قرار نداشته وبا این حجم مساعدت های خارجی را دریافت نکرده است. کنفرانس پاریس وتعهدات جدید بین المللی، مسؤولیت دولت افغانستان را سنگین تر می سازد.

استفادهٔ بهینه ومؤثر از این کمک ها ونشان دادن نتایج عملی در جهت بهبود وضعیت زندگی مردم افغانستان، نخستین مسؤولیت دولت می باشد، یکی از اسباب عمدهٔ که مردم افغانستان وگروه های ملی و سیاسی از برابر حضور نیروهای خارجی در کشور ودست اندازی های آشکار وپنهان آن ها در امور داخلی با اغماض می گذرند، چشم داشت به این امیداست که کمک های خارجی بتواند، بر عقب ماندگی وفقر مزمن در کشور نقطه پایان گذارد و وضعیت حکومت داری وامنیت را بهبود ببخشد.

حفظ استقلال و ارزش های اسلامی وملی، مسؤولیت دیگر دولت افغانستان است، البته پوشیده نیست که حضور خارجیان وتعهدات مالی آن ها برای افغانستان، درجهت منافع ملی آن کشورها صورت می گیرد، اگر چنانچه حضور و مساعدت کشورهای خارجی، در برابر آسیب رساندن به استقلال ومنافع استراتژیک ملی وهویتی ما باشد، ما حقیقتا بهایی بس گزافی پرداخت می کنیم، مردم افغانستان در گذشته ثابت کرده اند که آمادهٔ پرداخت چنین بهایی نیستند. شاید یکی از عوامل شورش ها ویا نا آرامی های کنونی در کشور، اعتراض به این مبادله نا برابر باشد ودر صورت چشم پوشی دولت از ایفای این مسؤولیت ممکن است، اعتراضات ومقاومت های بیشتری صورت بگیرد و آن گاه ما دیگر فرصت تاریخی جلب مساعدت های بین المللی برای ساختن دولت واقتصاد در کشور را برای همیشه از دست خواهیم داد ومسؤولیت آن را نیز کسانی برعهده خواهند داشت که در ایجاد توازن میان منافع خارجیان ومنافع مردم افغانستان ناکام ماندند.

موفقیت در دولت داری خوب، مسؤولیت دیگر دولت افغانستان است، خارجیان قسمت عمدهٔ کمک های تعهد شدهٔ قبلی را بر اثر اختلاس ومعاش های گزاف ومصارف دیگر، به خارج منتقل ساختند و برای مردم افغانستان جز ارقام درشت ملیاردی بروی کاغذ چیزی بجا نگذاشتند. یگانه بهانهٔ دونر ها نا کار آمدی دولت افغانستان است. چنانچه در کنفرانس پاریس بار دیگر گفته شد به علت فساد و ناکارآمدی، دولت افغانستان نمی تواند این پول ها را مصرف کند. دولت باید با ریشه کن کردن فساد وبهبودی حکومت داری این بهانه را از خارجیان سلب کند وبتواند به آرزوی ها ونیاز مندی های مردم افغانستان پاسخ مثبت ارایه نماید.

همچنان دولت باید ملتفت باشد که برخی عناصر شامل دولت یا از گرایش های غرب گرایانهٔ خویش ایدئولوژی ساختند و به هوای سرکوب وبه حاشیه راندن مخالفان و دیگر اندیشان دسیسه سازی می کنند. شمار دیگر می خواهند با برتری طلبی قومی وتباری، دیگران را حذف کنند، دولت افغانستان باید این دو گرایش مخرب را که مانع ایجاد دولت- ملت می شود مهار نماید و بدون در نظر داشت پایگاه تباری و نحوهٔ اندیشه ورزی، فرصت های مساوی را برای همهٔ شهروندان فراهم سازد.

توجه به این موارد، شرط های اصلی موفقیت کنفرانس پاریس بوده، بدون پرداختن به آن، ارقام درشت تعهدات، چونان نقشی بر روی کاغذ به جا می ماند ومشروعیت کم رنگ حاکمیت را بیشتر مخدوش می سازد.

دستاوردها و چالش های کنفرانس پاریس

عبدالمعین شاهد

در این نشست بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد گفت: وجود فساد اداری در افغانستان از مشکلات اصلی کشور است که باید برای رفع آن تلاش شود.

رئیس جمهور در سخنانی در آغاز این کنفرانس اظهار داشت، موضوع امنیت همیشه بزرگترین چالش پیش روی افغانستان بوده است. وی افزود: بدون امنیت پیشرفت در بسیاری از زمینه ها مشکل و در مواردی حتی ناممکن است. رئیس جمهور افغانستان تروریسم را که به گفته او در خارج از افغانستان ایجاد و از آن حمایت می شود محور اصلی مشکلات امنیتی خواند. او تأکید کرد که مبارزه با تروریسم به تعهد منطقه ای و عزم سیاسی نیاز دارد.

نیکولای سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه، اظهار داشت: "ما تصمیم داریم که باید در افغانستان پیروز شویم و صلح و مدارا در آن کشور برقرار گردد.

مبلغ ۱۰،۳ میلیارد دالر بیشترین کمک تعهد شده از جانب امریکا بود که توسط خانم لورا بوش اعلان گردید، انگلیس با تخصیص ۱،۱۷ میلیارد دالر و بانک جهانی با ۱،۱ میلیارد دالر در مرتبهٔ دوم و سوم قرار گرفتند. جاپان، آلمان و کانادا نیز مساعدت های قابل توجهی تعهد نمودند.

کنفرانس پاریس در پهلوی علاقمندی جامعهٔ جهانی جهت کمک به افغانستان، تعهد دراز مدت کشورهای بزرگ جهان جهت حضور در افغانستان را نشان می دهد.

اما در ورای این ارقام درشت و ادعای موفقیت، نگرانی های شدیدی نیز وجود دارد.

اکثر کارشناسان اعتقاد دارند چالش ها و موانع جدی در راه تطبیق و اجرای مساعدت های بین المللی وجود دارد، وتعهد کمک به افغانستان، یک بخش کار را تشکیل می دهد که باید در پهلوی آن به موانع و چالش ها توجه داشت و امکانات و ظرفیت های خودی افغانستان را شناسایی و تقویت نمود. مهمترین چالش ها و موانع تطبیق مؤثر کمک های خارجی در کشور را می توان چنین توضیح داد:

۱- امنیت: جنگ در افغانستان تا هنوز به پایان نرسیده، مناطق وسیع عمدتاً در جنوب و شرق و غرب کشور شاهد جنگ ها و نا آرامی می باشد که موانع جدی را در راه تطبیق برنامه های توسعه یی ایجاد نموده است. در جریان سال ۲۰۰۷ میلادی حدود ۸۰۰۰ نفر به قتل رسید، ۶ درصد مکاتب یا تخریب شده و یا به علت نا آرامی مسدود گردیده است، ۲۳۰ معلم و شاگرد از جملهٔ کشته شدگان می باشد و ۲۰۰ هزار دانش آموز از رفتن به مکتب محروم گردیدند.

تلاش های دولت برای تأمین امنیت و حضور ده ها هزار سرباز خارجی در کشور عملاً تأثیر تعیین کننده در تأمین امنیت نداشته است.

۲- فساد در دولت افغانستان: دولت افغانستان از وجود فساد مانند، اختلاس، رشوه، ترجیح مناسبات قومی و سمتی و سیاسی و موارد دیگر رنج می برد. کارایی برخی ارگان ها در نتیجهٔ فساد، پایین آمده و دارایی های هنگفتی توسط اختلاس گران و رشوه خواران به تاراج رفته است. تلاش های دولت در جهت ریشه کن کردن فساد، نتیجهٔ قناعت بخش نداشته و کمیسیون ها و ارگان های مبارزه با فساد، مؤثریت قابل ذکری نشان نداده اند، در برخی موارد این ارگان ها و کمیسیون ها یک دیگر خویش را به دست داشتن در فساد، متهم کرده اند.

طبق گزارش های معتبر بین المللی، افغانستان در سال ۲۰۰۷ از نقطه نظر فساد اداری، در مرتبهٔ ۱۷۲ در میان ۱۷۹ کشور قرار گرفت در حالی که در سال ۲۰۰۵، در جایگاه ۱۱۷ قرار داشت، این گزارش صعود گراف فساد را در کشور نشان می دهد.

منابع بین المللی علت سهیم نساختن دولت در مصرف مساعدت های خارجی را فساد گسترده در دولت می دانند.

۳- ظرفیت پایین دولت: کشورهای دونر و نهادهای بین المللی ادعا دارند، دولت افغانستان ظرفیت پایین داشته نمی تواند مساعدت های بین المللی را به مصرف برساند. عدم موفقیت دولت در اجرای برخی پروژه های ملی مانند سرشماری، این گمانه را بیشتر تقویت می کند اما این ادعا را دولت نمی پذیرد و ادعا دارد، باید سهم بیشتر در مدیریت پروژه ها و مصرف پول ها داده شود.

قابل تذکر است که در برخی ارگان های دولتی از مسالهٔ ظرفیت پایین استفادهٔ ابزاری صورت گرفته به علل سیاسی و ایدئولوژیک افرادی به بهانهٔ نداشتن ظرفیت و یا تخصص، اخراج می گردند اما عملاً برخی ارگان های دولتی کاری در جهت ظرفیت سازی انجام نداده به تبلیغ شعارهایی بسنده کردند.

فکر می شود، دولت افغانستان استراتیژی سنجیده شده یی، جهت مبارزه با فساد و اصلاح اداره روی دست ندارد و به اسباب و علل فساد توجه نشان نمی دهد، حقوق پایین مأمورین و عدم مجازات متخلفین، از جملهٔ عوامل عمدهٔ گسترش فساد دانسته می شود اما دولت در این زمینه عملاً هیچ کاری را انجام نمی دهد. این روند، تعهد دولت برای ریشه کن کردن فساد را زیر سؤال می برد.

۴- فساد در نهادهای خارجی شاغل در افغانستان: علاوه بر دولت افغانستان، مؤسسات و نهادهای بین المللی که کمک های خارجی را مصرف می کنند و برنامه های انکشافی را تطبیق می نمایند نیز، متهم به فساد می باشند. سازمان دیده بان افغانستان در گزارش اخیر خویش جامعهٔ جهانی را به حیف و میل میلیاردها دالر متهم ساخت، طبق ادعای این سازمان، از هر صد دالر کمک شده به افغانستان تنها ۲۰ دالر آن در توسعهٔ افغانستان مصرف شده است، شورای سنلس در گزارش خویش که چندی پیش انتشار یافت ادعا کرد ۴۰ درصد پول های کمک شده به جیب خارجیان می افتد و حیف و میل می شود.

۵- سهم ناچیز دولت افغانستان در مدیریت و مصرف کمک ها: دولت افغانستان ادعا دارد، از مجموع کمک های خارجی تنها ۳۰ درصد آن از طریق ارگان های دولتی به مصرف می رسد. طبق اظهارات معین وزارت فواید عامه، کشورهای دونر در ۷۰درصد کمک ها هیچ هماهنگی با ارگان های دولتی برقرار نساخته و حتی نظارت دولت بر تطبیق پروژ ها را نمی پذیرند، در این صورت با توجه به فساد گسترده در نهادهای خارجی، می توان گفت مصرف کمک ها توسط دولت افغانستان به سود کشور بوده، از خروج بیشتر پول های مساعدت شده جلوگیری می شود.

بانک جهانی در اعلامیه یی که در آستانهٔ برگزاری کنفرانس پاریس منتشر ساخت، از سهم مشاوران خارجی در تضعیف دولت افغانستان انتقاد کرد.

۶- مواد مخدر: کشت و تولید مواد مخدر در سال ۲۰۰۷ با ۳۴درصد رشد، به بلند ترین سطح خویش در تاریخ افغانستان رسیده، افغانستان با تولید (۸۲۰۰) تن تریاک به تنهایی بیش از نود در صد تریاک جهانی را تولید نمود، در این میان ولایت هلمند که گروه های شورشی طالبان در آن فعال اند بیش از ۵۰ درصد تریاک افغانستان را تولید کرد.

افزایش کشت و تولید تریاک، باعث کاهش تولید مواد غذایی، افزایش اعتیاد، تقویت گروه های مسلح مخالف و باندهای سازمان یافتهٔ جنایتکاران و خدشه دار شدن سیمای کشور در خارج گردیده است، دولت در مبارزه علیه مواد مخدر هیچ موفقیتی به دست نیاورده است، علل کاهش کشت تریاک در برخی ولایات در سال ۲۰۰۷ و احتمالاً در سال ۲۰۰۸ نه بر اثر فعالیت های ارگان های ذیربط دولتی آن گونه که ادعا دارند، به دست آمده بلکه به علت خشکسالی، پایین آمدن نرخ تریاک و بلند رفتن نرخ گندم و مواد غذایی می باشد. چون دهقانان به علت پایین بودن درآمد تریاک از کشت آن امتناع نمودند.

۷- نادیده گرفتن توسعهٔ متوازن: توجه به توسعهٔ متوازن برای مؤثریت مساعدت های بین المللی، قابل اهمیت می باشد، توازن باید در دو بخش مورد توجه قرار گیرد. توازن در عرصه های گوناگون اقتصادی و تولیدی و توازن در نقاط مختلف جغرافیایی، نادیده گرفتن توازن در بخش های مختلف جغرافیایی و ولایات افغانستان، باعث تعمیق محرومیت در برخی نقاط و ایجاد مانع در همگرایی ملی و تشکیل ملت ـ دولت شده باعث نارضایتی و بی اعتمادی می گردد.

همچنان نادیده گرفتن توازن در بخش های گوناگون اقتصادی نیز، پی آمدهای ناگواری خواهد داشت. متأسفانه در این زمینه نیز موفقیتی دیده نمی شود، به طوری که از ۱۵ میلیارد دالری مصرف شده در ۷ سال گذشته، برخی ولایات و یا برخی بخش های اقتصادی هیچ بهره یی نداشته اند.

۸- نادیده گرفتن اولویت ها: اقتصاد افغانستان متکی به زراعت بوده ۸۰ درصد اشتغال را عرصهٔ کشاورزی تشکیل می دهد، زراعت یگانه بخشی است که افغانستان می تواند به زودترین فرصت به خودکفایی برسد و حتی به یکی از صادرکنندگان فراورده های زراعتی و دامداری تبدیل شود، آب های جاری نسبتاً فراوان، زمین های قابل کشت و باغداری این امکان را میسر می سازد. ۷۰ درصد آب های افغانستان اکنون به کشورهای همسایه سرازیر می شود. دولت در ۷ سال گذشته به جز بند سلما در جهت اجرای طرح های بزرگ سد سازی و آبیاری اقدامی قابل ملاحظه یی انجام نداده است. ایجاد سدها جهت توسعهٔ زراعت و تولید انرژی باید در رأس استراتیژی دولت برای توسعهٔ اقتصاد کشور باشد.

۹- سیاسی ساختن مساعدت ها: شکی وجود ندارد که حضور نظامیان بیگانه و مساعدت های خارجی هیچگاه بدون قید و شرط صورت نمی گیرد، این حقیقت در افغانستان نیز وجود دارد. دولت هر از گاهی از مداخله و اعمال نفوذ کشورهایی صحبت می کند که در افغانستان نیرو داشته و تعهدات اقتصادی دارند، چندی پیش رئیس جمهور در مصاحبه یی با یک روزنامهٔ آلمانی اظهار نمود که می خواسته گویا یک جنگسالار خطرناک در بدخشان را دستگیر نماید اما به علت حمایت یک کشور خارجی نتوانست چنین کاری را انجام دهد، در گذشته نیز بر سر عزل و یا ابقای برخی والی ها ادامه درص۶

قرارداد معدن مس عینک، سوال ها و چالش ها



احمد جاهد

معدن مس عینک را می توان از بزرگترین معادن مس در جهان بشمار آورد. این معدن که در سی کیلو متری جنوب شرق کابل موقعیت دارد در سال ۱۹۷۳ کشف گردید. طبق یک تخمین ابتدائی این معدن دارای سیزده ملیون تن مس است.

هرچند تخمین میشود که مساحت مجموعی اراضی مسدار در ولایت لوگر ۸۰۰ کیلومتر مربع است اما رگه های این فلز تا به مناطق چهلستون، قرغه و ماهیپر در کابل نیز گسترده شده است. اگر مقدار مس این مناطق را هم به ذخایر مس عینک اضافه کنیم، مقدار مجموعی مس در این مناطق بیشتر از سی ملیون تن خواهد بود. از مجموع ۸۰۰ کیلومتر مربع ذخایر مس در ساحهء عینک، حدود چهل کیلومتر مربع سنگ های حاوی مس روی زمین قرار داشته ونیازی به حفر محل برای بیرون آوردن سنگ های معدنی نیست.

مقدار متوسط مس در سنگ های اکساید شده ۱/۲ فیصد است به این معنی که در سنگ های سلفیدی مقدار مس از۲/۸۵ درصد تا ۰/۱۷ درصد تغییر می کند. بیشترین مقدار مس در این ساحه از نوع Strata bound رسوبی است که از نوع مرغوب مس بشمار می آید.

از سالها قبل این مسئله مطرح بود که چگونه می توان از این معدن بزرگ استفاده کرد. سرانجام دولت افغانستان تصمیم گرفت تا این معدن را به سکتور خصوصی بسپارد. در این رابطه شانزده کمپنی خارجی شرایط خود را به وزارت معادن و صنایع سپردند که از آن جمله پنج کمپنی شرایط بهتری ارائه دادند: کمپنی چینائی MCC کمپنی کانادائی Hunter Dikson کمپنی Kazakh mys از قزاقستان، کمپنی امریکائی Phelps Dodgs و سرانجام کمپنی روسی Strike force

دولت افغانستان از میان این پنج کمپنی، کمپنی چینائی را برنده اعلام داشت وافزود این کمپنی شرایط بهتری را برای کار ارائه داده است اما کمپنی قزاقی مدعی شد که با وجود اینکه شرایطش بهتر از کمپنیMCC بود، به دلایلی که مشخص نیست، مقامات افغانستان کمپنی چینائی را ترجیح داده اند.

کمپنی قزاق مس مدعی است که حجم سرمایه گذاری پیشنهادی اش ۴/۰۵۴ ملیارد دالر بوده در حالیکه حجم سرمایه گذاری پیشنهادی کمپنی چینی ۳/۴ ملیارد دالر است. آغاز کار استخراج معدن که از جانب کمپنی قزاقستان پیشنهاد شده بود دو سال بود اما کمپنی چینی با وجود اینکه قرار است پنج سال بعد از امضای قرارداد به استخراج آغاز نماید، مورد قبول واقع گردید.

کمپنی قزاقی برای آموزش کادر های افغانستان نیز برنامه هائی به ارزش ۶۰ ملیون دالر داشت، این کمپنی پیشنهادی هم برای ساختن لابراتوارها برای وزارت معادن وصنایع ارائه داده بود در حالیکه کمپنی چینی چنین طرح هائی را نداشته و کارگران چینی را برای کار به افغانستان می آورد. یعنی استفاده از نیروی بومی توسط کمپنی چینائی محدود است.

البته وزارت معادن وصنایع افغانستان این ادعا ها را قبول ندارد و استدلال می کند که کمپنی MCC پیشنهاد های بهتری ارائه نموده بود.

هردو کمپنی برای ساختن راه آهن به منظور ارتباط آسیای میانه با آسیای جنوبی، پیشنهاد مشابه داشتند. هردو کمپنی برای ساختن شهرک ها و سایر تاسیسات عام المنفعه پیشنهادات خود را ارائه داده بودند. اما مسئله، تولید برق که دو کمپنی ارائه داده اند، مهم به نظر می رسد.

کمپنی قزاقی پس از اینکه در این بازی بازنده شد ادعا کرد که پیشنهاد نموده بود دو تا سه بند برق آبی در افغانستان بسازد که ۱۵۰ الی ۲۰۰ میگاوات برق تولید نماید و در این راه حاضربود ۸،۱ ملیارد دالر هزینه نماید. اما کمپنی چینی پیشنهاد تولید ۴۰۰ میگاوات برق را از طریق برق حرارتی داشت که از نظر دولت افغانستان زود ثمر تر و عملی تر دیده شد. از این برق هم برای استفاده در ذوب و پروسس مس وهم برای استفادهء مردم در کابل و لوگر استفاده خواهد شد.

بدون شک ساختن بند های آبگردان برای تولید برق تنها شامل تولید برق نمی شود بلکه ذخایر آب با تولید بند ها، رشد سکتور زراعت را نیز در قبال خواهد داشت. در حالیکه برق حرارتی با استفاده از ذغال سنگ می تواند تاثیرات منفی بالای محیط زیست از خود برجا بگذارد.

هرچند این پروژه یکی از بزرگترین پروژه های اقتصادی در تاریخ افغانستان است و سالانه دوصد ملیون دالر عاید نصیب افغانستان خواهد ساخت، اما چالشهائی هم فراراه این پروژهء بزرگ وجود دارد.

هر چند منطقهء عینک در نزدیکی کابل قرار دارد و از نظر امنیتی تا حدی می تواند منطقهء مصوٌون به شمار آید اما در طویل المدت، امکان ناامن شدن بیشتر این منطقه از احتمال به دور نیست. در دوران تجاوز روس ها به افغانستان، این منطقه از مناطق بسیار ناامن برای نیروهای روسی و دولت کابل به شمار می رفت

هرچند منطقهء عینک در نزدیکی کابل قرار دارد و از نظر امنیتی تا حدی می تواند منطقهء مصوٌون به شمار آید اما در طویل المدت، امکان ناامن شدن بیشتر این منطقه از احتمال به دور نیست. در دوران تجاوز روس ها به افغانستان، این منطقه از مناطق بسیار ناامن برای نیروهای روسی و دولت کابل به شمار می رفت.

کمپنی چینی برای اینکه بتواند بصورت نورمال به کار ادامه بدهد یا باید خود را در حصار نیروهای مسلح دولت افغانستان یا کمپنی های امنیتی خصوصی قرار دهد که در این صورت با خطر حملات مخالفین مسلح دولت مواجه خواهد بود ویا اینکه در خفا همان تعاملی را در پیش گیرند که بعنوان مثال کمپنی های تیلفون های موبایل در مناطق تحت کنترول مخالفین دولت به کار می بندند. این نوع تعامل، تقویت مالی مخالفین را در قبال خواهد داشت. اگر احتمالا چنین وضعی بمیان آید، بدون شک چنین تعاملی موجب بروز اختلافات میان دولت افغانستان و کمپنی چینائی موجب بروز اختلاف خواهد شد.

همه بی صبرانه منتظر عملی شدن این پروژه اند و یکبار دیگر در بخشی از کشور امیدی برای زندگی بهتر بمیان آمده است اما آیا این امید جنبهء عملی خواهد یافت؟

فقر کشندهٔ کنونی و تأثیرات ویرانگر آن



پوهنمل سید عنایت الله شاداب
استاد دانشگاه کابل

پدیدهٔ فقر و ناداری در درازای تاریخ زندگی بشر به حیث یک بلای خانمان سوز، همواره زندگی توده های انسانی را به بحران کشانیده و تأثیرات ناگواری را در زندگی فردی و اجتماعی ملت ها گذاشته است.

البته فقر و ناداری در زندگی انسان ها و واحدهای اجتماعی چه خورد و چه کوچک، گونه های مختلفی دارد که فقر اقتصادی، فقر علمی، فقر اخلاقی، فقر هویتیت و... از نمونهٔ آن، به شمار می روند اما بحران آفرینی فقر اقتصادی در جوامع بشری، نسبت به همه فقرهایی که از آن ها نام بردیم ملموس و چشم گیر بوده و پیامدهای آن، همه افراد یک جامعهٔ محکوم به بحران فقر اقتصادی را به چالش می گیرد.

یقیناً تاریخ جوامع انسانی، با این گونه فقرها و در رأس آن فقر اقتصادی دست و گریبان بوده، ولی جوامع برخوردار از رهبری های آگاه و برخاسته از متن مردم و آشنا به درد آنها از طریق برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت، توانسته اند هنگام وقوع بحران های اقتصادی، دست مردم را بگیرند و از سقوط آن در سراشیب بدبختی های دیگر جلوگیری کنند.

بدون شک جامعهٔ ما و کشورما، جامعه و کشوری بحران زده که اثرهای مخرب و ویرانگر آن را می توان در همه بخش های زندگی این ملت به خوانش گرفت و لمس نمود ملتی که از یک طرف قربانی منافع کشورهای آزمند و توسعه جوی منطقه یی و جهانی بوده و از طرف دیگر فقدان رهبری آگاه و مرّدمی و نبود برنامه های اقتصادی کارا، نقش موٌثری در این مورد بازی کرده است.

آنچه که امروز مردم افغانستان به گوشت و پوست خود لمس می کنند، این وضع کشنده یی که سرنوشت و آیندهٔ این ملت را رقم می زند اکنون وضعی است قابل تأمل و باید آن را کالبد شگافی کرد.

ریشه های وضع کشندهٔ کنونی یقیناً ریشه در تاریخ حکمروایی های این کشور دارد. حکمروایانی که بیشترینه آن ها را سیاست های منفعت جویانهٔ جهانی و منطقه یی بر این ملت تحمیل کرده است. سیاست مدارانی که بقای خویش بر اریکهٔ حکمروایی در کشور را در گرو حمایت بیگانگان دانسته و به ارادهٔ ملت وقعی نمی گذارند، بر همین بنیاد است که از یک طرف برنامه یی برای انکشاف و ترقی میهن خود ندارند و از جانب دیگر هر حرکتی را که درمیان ملت برای بهبود وضع، راه می افتد حرکتی تلقی می کنند دشمنانه.

مطالعهٔ تاریخ حرکت های اجتماعی و سیاسی در تاریخ سیاسی معاصر ما به ویژه در دوران کنونی، خود گواه راستین است برای تأیید مطلب یاد شده. البته حوصلهٔ این نوشتار کوتاه و گذرا از جستار همه جانبه پیرامون وضع اقتصادی این ملت و اثرات ناگوار آن بر همه عرصه های زندگی باشندگان این سرزمین عاجز است و در این نوشتار می خواهیم ریشه های فقر کشندهٔ کنونی که عبارتند از عدم کارایی، نبود صداقت و پشتکار، فقدان برنامه های دراز مدت جهت مقابله با چنین حوادث غیر مترقبه، حاکمیت و تمایلات گروهی و قومی، حاکمیت فساد، بررسی نماییم. خاستگاه اساسی این قضاوت را باید در همین عوامل جستجو نمود، نه در عوامل دیگری که گاهأ زمزمه می گردد.

تأیید همه جانبهٔ سیاسی قدرت ذی نفع و اقمار آنان، سرازیر شدن امکانات مادی فراوان، به حساب این ملت و حیف و میل آن به گونه یی که هیچ دردی از دردهای این ملت را مداوا نمی کند همه ایجاب می کرد باید وضع زندگی این ملت نسبت به شش سال گذشته،

ادامه در ص ۶

جانمایهٔ داستان دوازده رخ:

پند نامهٔ فردوسی

محمد اسحاق فایز

ماجرای دوازده رخ زمانی روی می دهد که در ایران کیخسرو پادشاهی دارد و در توران آن زمان افراسیاب همچنان بیداد می کند و زمین در زیر سم ستورانش آرام ندارد.

کیخسرو شاه ایران زمین فرزند سیاوش است که از مادربه افراسیاب پیوند دارد و روشنتر اینکه او نوه دختری افراسیاب است زیرا فرنگیس دختر افراسیاب همسر سیاوش بود که چگونگی این پیوند در شاهنامه خود ماجرای بلند و دردناکیست.

چون افراسیاب بر سیاوش خشم می گیرد، پس جلاد دربار را فرمان میدهد تا سر از تن او جدا کند. چنین میشود و پس از آن پیران ویسه وزیر خردمند و شجاع افراسیاب چون از کشته شدن سیاوش آگاهی می یابد، شتابان به دربار افراسیاب می شود و از این بدی سوگوارانه به افراسیاب هشدار میدهد. او که خود نیز دخترش را به زنی سیاووش داده بود، با اصرار فرنگیس را از چنگ پدرش افراسیاب نجات میدهد و با او از دریار بیرون میرود و همین گونه ماه ها می گذرد تا کیخسرو از مادرش فرنگیس زاده میشود.

کیخسرو بعد تر به ایران باز گشت داده میشود و بر تخت کاوس، نیای آزمندش می نشیند بدین منوال جهان از کین خواهی ایرانیان بر توران زمین تاریک می شود.

اپیران ویسه" ، وزیر و پهلوان نامدار توران است و "گودرز" پهلوان نامدار ایران. هردو را فرزندان نامدار و پهلوان است و در پی کین خواهی از خون سیاوش، سرانجام روزی با هم فراهم میشوند و اراده می کنند تا جنگ دوازده رخ را آغاز کنند. دراین جنگ هردو پهلوان فرزندان همدیگر را برای جنگ

نامزد می کنند و این گزینش آنگونه است که آخرین جنگ میان گودرز و پیروان ویسه صورت می گیرد.

از قضا در جنگ دوازده رخ، همه پهلوانان توران بدست پهلوانان ایران کشته میشوند و پیران ویسه نیز کشتهٔ دست گودرز است.

فردوسی در سر آغاز این داستان پر آب چشم، سخنان حکیمانه ای دارد در تعریف جهان و نا پایداری آن. این پند نامه هرچند بسیار مختصر است و لی حکمت و درونمایه ای بس بزرگ دارد.

جانمایه این اندرزنامه این است:

سرانجام این جهان را پایانی هست و زنده گی هرکسی نیز چنان است. نیکی و بدی هردو می گذرند. یادی و نشانی از آنها در زنده گی خواهد ماند و جهان دشواری ها برای آزمندان دراز آید. و خرد ورزی و عقلانیت کاستی ندارد و راستی نیز چنان است.

فردوسی به عنوان یک ابر انسان ستوده براین باور نیک است که جوییدن شخصیت بلند و نامداری برای هرانسانی سزاوار و بایسته است و اندر این باب فردوسی چنان پدری فرزانه می گوید که اگر این بزرگی و بلندی در کام اژدها نیز است، باید جست و باید بدست آورد.

آز و افزون خواهی آن پدیده زشت و ناپسندیده است که فردوسی از آن بیزار است. از دید فردوسی آنانی که در بند آز اندو گرفتار این دام، هیچگاهی آفرین جهانیان را نخواهند نیوشید.

فردوسی افزون خواهی را مایهٔ کاستی آبرو داند. و از همین رو می گوید که این جهان برای کسی نمی ماند، پس بهتر آنست که ما بر سر آن، روان خویشتن را نیازاریم.

این است جانمایهٔ این اندرزنامه که حالا آوردن اصل سخنان حکیم نیز اندر خور است تا بیاوریم و شما را از خواندنش شهدی در کام آید:

جهان چون بر آری، بر آید همی
بدو نیک روزی سر آید همی
چو بستی کمر بر در راه آز
شود کار گیتی بتو بر دراز
ره دانشی گیر و پس راستی
کزین دو نگیرد کسی کاستی
بیک روی جستن بلندی، سزاست
و گر در میان دم اژدهاست
پرستندهٔ آز و جویای کین
بگیتی زکس نشنود آفرین
و دیگر که گیتی ندارد درنگ
سرای سپنجی، چه پهن و چه تنگ
چو سر و سهی کوژ گردد به باغ
برو برشود تیره روشن چراغ
شود برگ پژمرده و بیخ سست
سرش سوی پستی گراید نخست
بر آید زخاک و شود باز خاک
همه جای ترسست و تیمار و باک
سر مایهٔ مرد سنگ و خرد
بگیتی بی آزاری اندر خورد
اگر خود بمانی بگیتی دراز
زرنج تن آید به رفتن نیاز
یکی پهن دریاست بن نا پدید
در گنج رازش ندانی کلید
اگر چند یابی فزون بایدت
جهان خورده یک روز بگزایدت
سه چیزت بباید کزین چاره نیست
از آن بر سرت نیز پیغاره نیست
خوری یا بپوشی و یا گستری
سزد گر به چون و چرا ننگری
کزین سه گذشتی همه رنج و آز
اگر بخردی جز بشادی مناز
خود آنی که با تو نماند جهان
چه رنجانی از آز روشن روان
بخور هرچه داری و بیشی مجوی
که از آز کاهد همه آبروی

هدیه به مادران

استاد خلیل الله خلیلی

رهروی، روشندلی، از بایزد
کردپرسش؛ کای مراد هرمرید
بازگو آخرکجا بشتافتی
کاین همه گنج سعادت یافتی
گفت:" ازیک قطره اشک مادرم
شاهد مقصود آمد در برم
گنج ها در دیدهٔ نمناک اوست
این گهرها اشک های پاک اوست
شام ها چون بازخفتی مادرم
بود درپائین پایش بسترم
تا دل شب داشت بامن رازها
گفتگوها، قصه ها، آوازها
قصه ها شیرین تر از شهد وشکر
نغمهٔ جانبخش چون باد سحر
ناگهان شامی هوا بس تیره شد
برف بر شهر وده ما چهره شد
خون به تن از شدت سرما فسرد
شعله از دم سردی ایام مرد
نیم شب شد مادرم از خواب خاست
از من افسرده جام آب خواست
تاگرفتم لرزلرزان جام آب
مادرم بار دیگربرد خواب
من ستادم خشک بر جا از ادب
چشم بر ره، جام برکف، جان به لب
آب را از فرط سردی بست یخ
جام را با دست من پیوست یخ
صبح شد چون بارگاه فیض باز،
مادرم برخاست از بهرنماز
دید سوی من که لرزانم چو بید
گشته ام چون برف سراتا سپید
گفت:" ای فرزند! برکف جام چیست؟
راست گو، این لرزه براندام چیست؟
از چه رواین جام را نگذاشتی
خویش را در رنج ومحنت داشتی؟
گفتم:" ای مادرخطابود این که من
می نهادم جام بهر خویشتن
تو زمن گرآب می کردی طلب
خفته می دیدی مرا دور از ادب
مادر از گفتارمن بی تاب شد
دل میان سینهٔ وی آب شد
سر زد آهی از دل غم دیده اش
قطرهٔ اشکی چکید از دیده اش
اشک مادر گنج گوهرزاد شود
مرد ازآن یک قطره چون دریا شود

به مناسبت روز فرشتهٔ زمینی که نام دیگرش مادر است

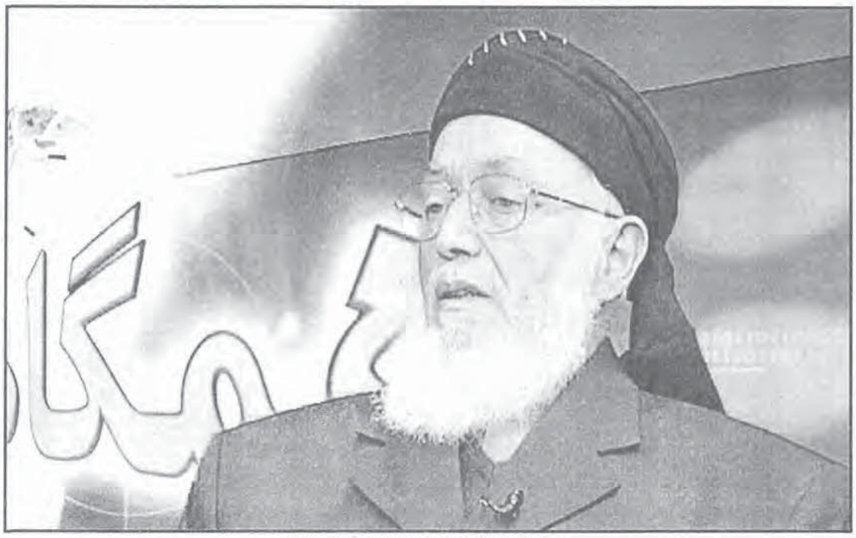
ماهیت مادر

عبدالأحد تارشی

آسمان را گفتم
می توانی آیا
بهر یک لحظهء خیلی کوتاه
روح مادر گردی
صاحب رفعت دیگر گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
کهکشان کم دارم
نوریان کم دارم
مه وخورشید به پهنای زمان کم دارم
***
خاک را پرسیدم
می توانی آیا
دل مادر گردی
آسمانی شوی وخرمن اخترگردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
بوستان کم دارم
در دلم گنج نهان کم دارم
***
این جهان را گفتم
هستی کون ومکان را گفتم
می توانی آیا
لفظ مادر گردی
معنی رفعت را
معنی عزت را
معنی شوکت را
بهر یک ثانیه بستر گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
آسمان کم دارم
اختران کم دارم
رفعت وشوکت وشان کم دارم
عزت ونام ونشان کم دارم
***
آنجهان راگفتم
می توانی آیا
لحظه یی دامن مادر باشی
مهد رحمت شوی وسخت معطر باشی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
باغ رنگین جنان کم دارم
آنچه در سینهء مادر بود آن کم دارم
***
روی کردم با بحر
گفتم اورا آیا
می شود اینکه به یک لحظهء خیلی کوتاه
پای تا سر همه مادر گردی
عشق را موج شوی
مهر را مهر درخشان شده بر اوج شوی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
بیکران بودن را
بیکران کم دارم
ناقص ومحدودم
بهر این کار بزرگ
قطره یی بیش نیم
طاقت وتاب وتوان کم دارم
***
صبحدم را گفتم
می توانی آیا
لب مادر گردی
عسل وقند بریزد از تو
لحظهء حرف زدن
جان شوی عشق شوی مهر شوی زرگردی
گفت نی نی هرگز
گل لبخند که روید زلبان مادر
به بهار دگری نتوان یافت
دربهشت دگری نتوان جست
من ازان آب حیات
من ازان لذت جان
که بود خندهء اوچشمهء آن
من ازان محرومم
خندهء من خالیست
زان سپیده که دمد از افق خندهء او
خندهء او روح است
خندهء او جان است
جان روزم من اگر,لذت جان کم دارم
روح نورم من اگر, روح وروان کم دارم
***
مهر را پرسیدم
می توانی آیا
مهر مادر گردی
بیش ازین روشن وتابان ومنور گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
آسمانی که دران ابر ندارد راهی
چون سپهر سخنان مادر
آسمانی که همه پیکر تابش باشد
روشنانش همه دستان نوازش باشد
همچو شیرینی جانبخش زبان مادر
این وآن کم دارم
مثل مادر دل از مهر تپان کم دارم
***
کردم از علم سوال
می توانی آیا
معنی مادر را
بهر من شرح دهی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
منطق وفلسفه وعقل وزبان کم دارم
قدرت شرح وبیان کم دارم
***
درپی عشق شدم
تا درآئینهء او چهرهء مادر بینم
دیدم او مادر بود
دیدم او در دل عطر
دیدم او در تن گل
دیدم اودر دم جانپرور مشکین نسیم
دیدم او درپرش نبض سحر
دیدم او درتپش قلب چمن
دیدم او لحظهء روئیدن باغ
از دل سبزترین فصل بهار
لحظهء پر زدن پروانه
در چمنزار دل انگیزترین زیبایی
بلکه او درهمهء زیبایی
بلکه او درهمهء عالم خوبی, همهء رعنایی
همه جا پیدا بود
همه جا پیدا بود

خاطراتی از پروفیسور برهان الدین ربانی

نهضت اسلامی در خارج کشور بازسازی می شود



چرا پاکستان برای هجرت انتخاب شد، آیا پیش از هجرت روابطی با آن کشور وجود داشت، اگر رابطه یی وجود داشت آیا این رابطه با دولت پاکستان بود ویا با سازمان های اسلامی؟

ما هیچ رابطه یی با دولت پاکستان ویا گروه های سیاسی آن کشور نداشتیم، نخستین رابطه ما با پاکستان به دوران پیش از هجرت وبه مسافرت تحقیقاتی من به پاکستان بازمی گردد، اما این سفر، سفرتحقیقاتی و برای پانزده روز بود، من به عنوان استاد پوهنتون و به منظورتحقیق به دانشگاه پنجاب رفته بودم، دراین سفر با مولانا مودودی ملاقات کردم. پیش از پاکستان من به ترکیه رفته بودم ومدت سه ماه درآنجا، در پوهنتون های انقره واستانبول تحقیقات انجام دادم.

درسفرپاکستان، از ریاست دانشگاه پنجاب تقاضا کردم تا ترتیب ملاقاتم را با مولانا مودودی برنامه ریزی نمایند. من جهت ملاقات به خانهٔ مولانا مودودی رفتم، مولانا با زبان فارسی آشنایی داشت و بدون ترجمان صحبت کردیم، در آن وقت قاضی حسین احمد جوانی بود که او را در نزد مولانا دیدم کسی دیگری از خان های مومند از مناطق قبایلی نیزآنجا بود دیگرآشنایی من با مولانا از طریق آثار وی بود، کتاب های وی در ایران ترجمه می شد وبه افغانستان می آمد.

نا گفته نماند که نخستین تماس من با پاکستانی ها بعد از مهاجرت، با جماعت اسلامی مولانا مودودی بود، روزی یکی از اعضای نهضت به نام عبدالواحد که، از جوانان وردک بود و در یک هوتل کار می کرد برایم اطلاع داد که، یک مهمان پاکستانی آمده می خواهد شما را ببیند، باوی ملاقات کردم، قاضی حسین احمد بود، من قبلا درسفرتحقیقاتی خویش در دفتر مولانا او را دیده بودم.

صحبت های مولانا مودودی چه اثری برشما گذاشت؟

مولانا مودودی یکی از شخصیت های بزرگ و متفکر جهان اسلام بود، من با مولانا راجع به مسایل سیاسی وفکری بحثی زیاد نداشتیم. اوعلاقمند صحبت روی تاریخ افغانستان وشخصیت های فرهنگی مانند اقبال بود، مولانا سیمای نورانی داشت نظم وترتیب دفتروکتابخانهٔ او مرا تحت تأثیر قرارداد، درسیما وسخنان مولانا شکوه وعظمت دیده می شد.

ما به سوی پاکستان به راه افتیدیم، یادم هست که در راه پشاور به جای رسیدیم وبسیارتشنه شدیم، یک شربت بسیار غلیظی یافتیم و خریدیم، طعم بدی داشت و نتوانستیم بنوشیم، ما بالاخره به پشاور رسیدیم، جوانانی که دراین سفر همرای من بودند، بیشتر به امنیت من توجه داشتند و راه ها را شناسایی می کردندما به راه افتیدیم وهیچ برنامه یی از قبل تعیین شده نداشتیم، به علت آن که ما در نتیجهٔ یک تصمیم ناگهانی حکومت مهاجرشده بودیم واز جانب شده بودیم واز جانب دیگر هیچ ارتباطی با پاکستان درگذشته وجود نداشت. اصلا نمی دانستیم کجا می رویم، با کی می بینیم و درکجا زندگی می کنیم، هیچ چیزی روشن نبود.

در آن جا اتاقی را به کرایه گرفتیم، دوستان پیشنهاد کردندکه چون با قاضی حسین احمد آشنایی داری، به وی اطلاع می دهیم، خوب رفتند، فردای آن روز قاضی آمد، حکومت ذوالفقارعلی بوتو بود وحزب مردم قدرت را در دست داشت، چون این حزب دارای تمایلات سوسیالیستی بود، میانهٔ خوبی با جماعت اسلامی نداشت. قاضی حسین هم نتوانست ، تدابیری در مورد محل اقامت ما اتخاذ نماید، او با امیر جماعت اسلامی در صوبه سرحد که ارباب سید نام داشت، تماس گرفت وبالاخره قرار برآن شد که برویم به لاهور تا موضوع را با مولانا مودودی درمیان بگذاریم تا راه حلی برای اقامت ما در پاکستان جستجو کند، نزد مولانا مودودی رفتیم، او رابطهٔ خوبی با حکومت نداشت، پیشنهاد کرد من در مناطق قبایلی در خانه ارباب سید زندگی کنم. دوباره برگشتیم به مناطق قبایلی.

من شش ماه در خانهٔ ارباب سید زندگی کردم، پس از مدتی که من در منطقهٔ قبایلی به سربردم، حکمتیار همرای خالد فاروقی که حالا وکیل پارلمان است، مهاجرت کردند ونزد من آمدند، چند روز با من آنجا بودند بعد رفتند به پشاور، ما در پشاور اتاقی را به کرایه گرفته بودیم

ما هیچ رابطه یی با دولت پاکستان ویا گروه های سیاسی آن کشور نداشتیم، نخستین رابطه ما با پاکستان به دوران پیش از هجرت وبه مسافرت تحقیقاتی من به پاکستان بازمی گردد، اما این سفر، سفرتحقیقاتی و برای پانزده روز بود

***

نخستین تماس من با پاکستانی ها بعد از مهاجرت، با جماعت اسلامی مولانا مودودی بود، روزی یکی از اعضای نهضت به نام عبدالواحد که، از جوانان وردک بود و در یک هوتل کار می کرد برایم اطلاع داد که، یک مهمان پاکستانی آمده می خواهد شما را ببیند، باوی ملاقات کردم، قاضی حسین احمد بود، من قبلا درسفرتحقیقاتی خویش در دفتر مولانا او را دیده بودم

که بعضی جوانان درآن جا زندگی می کردند، حکمتیارهم با آنها پیوست.

مولوی صاحب شینواری از جمله اولین مهاجران بودکه در درهٔ آدم خیل یک مدرسه راه اندازی کرده وبا حکومت پاکستان رابطه برقرار نموده بود، مولوی شینواری وقتی از آمدن من به پاکستان آگاه شد موضوع را به حکومت پاکستان وگورنرسرحد که بابر نام داشت درمیان گذاشت.او برای من پیامی فرستاد، تا به پشاوربروم، امامن مصلحت ندیدم به پشاوربروم. من قبلا نامه یی را عنوانی ذوالفقارعلی بوتو فرستاده بودم، درآن نامه با تحلیلی از اوضاع افغانستان از مهاجرت خویش خبردادم وتقاضای آزادی فعالیت های سیاسی را با وی مطرح کردم.

اگر رابطهٔ قبلی با پاکستان وجود نداشت، چطورحکومت با موجودیت مهاجران از جمله شما درآن کشور مخالفت نمی کرد، درحالی که پولیس ودستگاه های استخباراتی پاکستان حتما به این موضوع پی برده بودند؟

حکومت های همسایه همیشه کمابیش در رقابت با هم قرار دارند و حمایت مخالفان دولت دیگر، از جمله سیاست های معمولی چنین کشورهاست، گرچه حکومت پاکستان به رهبری بوتو ظاهرا ادعای گرایش سوسیالیستی داشت، اما به معنای واقعی یک حکومت سوسیالیستی نبود، ذولفقارعلی از جمله بزرگترین سرمایه داران سند به شمار ی رفت، هنوزهم در پاکستان خان ها، سرمایه داران وزمین داران بزرگ در رأس احزاب سیاسی قرار دارند. سوسیالیزم برای بوتو بیشتر یک شعاربود، البته در آن زمان کسانی دیگری مانند نهرو درهند وناصر در مصر ادعاهای سوسیالیستی داشتند. اکثریت سوسیالیست های آن زمان دارای چنین ماهیتی بودند، شعارهای سوسیالیستی سر می دادند، اما درحقیقت گرایش های لیبرالیسیتی داشتند، می خواستند انقلابی شناخته شوند، تا اتهام هوا داری از کاپیتالیزم بر آن ها وارد نشود. اتحادشوروی در آن زمان برای جوانان وجریانات سیاسی پررنگ تر از امریکا بود وحکومت های که روحیه انقلابی داشتند،کوشش می کردند، خود را به کمپ اتحادشوروی وسوسیالیزم وابسته معرفی نمایند.

حکومت پاکستان با وجودی که ادعای سوسیالیستی می کرد، وحکومت داوودخان نیزبه اتحادشوروی تمایل داشت واحزاب کمونیست در آغاز متحد وی بودند. اما علاقه داشتند با مخالفین حکومت رابطه حسنه داشتند، اما من به این سیاست حکومت پاکستان اطمنان نداشتم، به همین اساس بود که به ذوالفقار علی بوتو نامه نوشتم، در آن نامه تذکر داده بودم در صورتی که حکومت پاکستان با فعالیت های سیاسی من موافق نباشد به کشور دیگر پناهنده می شوم. نامه من از طریق، بابر به ذوالفقارعلی بوتو رسیده بود، بوتو در جواب نامهٔ من پیشنهاد مرا جهت آزادی فعالیت های سیاسی پذیرفت، حکومت پاکستان یک منزلی را در منطقه گلبهار برای من کرایه گرفت، البته بیشتر از آن به کمک های بعضی دوستان یک خانه را کرایه گرفته بودیم، یک خانه محقری بود که دونفردرآن زنده گی می کردند، یکی حکمتیار بود ویک دیگریک افسر قوای هوای.

بعد از شش ماه من از منطقه قبایلی به پشاور رفتم و در آن خانه که حکومت پاکستان دراختیارمن گذاشت زندگی می کردم، بعد از رفتن به پشاور فعالیت های ما بیشتر توسعه یاقت.

وقتی که حکومت پاکستان با فعالیت سیاسی تان موافقه کرد، آیا با شما شرطی را در میان گذاشت؟

حکومت پاکستان هیچ شرطی را در میان نگذاشت، اما با آنهم فعالیت های ما بسیار گسترده نبود.

من بنا بردعوت سفیرعربستان سعودی سفری داشتم به آن کشور، سفیرسعودی آقای شبلی در کابل سفیر بود، با وی آشنایی مختصری داشتم، با وساطت وی سفیر سعودی در پاکستان نامه مرحوم ملک فیصل یاد شاه آن وقت عربستان سعودی را به من تسلیم کرد، ملک فیصل مرد با دیانت بود وبه همه کشورهای اسلامی دوستی وخیر اندیشی داشت.

در جریان اقامت در خانهٔ ارباب سید بیشتر مشغول چه کارها بودید؟

درآن دوران بیشتر مشغول ارتباط با اعضای نهضت بودم، پیام ها وخط هایی می فرستادم، برای شان هدایت های لازم را می دادم. چه نوع فعالیت های را انجام بدهند، از زندانیان احوال می گرفتیم.

ژوند محمد، حاجی حکیم وحاجی عنایت به صورت منظم رفت وآمد می کردند واطلاعات را به من می آوردند، آن ها هفته یک بارپیام های مرا به فعالین نهضت و به افراد دیگر می رساندند، فعالیت دیگر آن ها فراهم آوری زمینه مهاجرت برای کسانی بود که تحت تعقیب قرار می گرفتند.

ما تا اندازه یی توانسته بودیم ، نهضت را سازماندهی مجدد نماییم وبرای فعالیت های بعدی آمادگی بگیریم. البته دستگاه های حکومت از این فعالیت ها اطلاعات بدست می آورد.

ادامه دارد

نیروهای دولتی در ایجاد نا امنی در راغ بدخشان نقش دارند

منطقهٔ راغ بدخشان که شامل ولسوالی های راغستان وکوهستان ویاوان است چندین ماه می شود نا آرام و بی امن است.

شب اول حمل سال روان نیروهای دولتی به دلیل مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدربر روستای شئی در ولسوالی یاوان به خانهٔ عنایت که گفته می شود سردستهٔ قاچاقچیان است یورش بردند، در طی این هجوم نیروهای دولتی یک زن شصت ساله ویک مرد مزدور کشته شدند وهشت کودک دو زن دیگر زخم برداشتند، دراین عملیات دختر عنایت نیز کشته شد. نیروها دولتی دو نفر را از خانهٔ عنایت دستگیر کردند، گفته می شود که هر دو در آن شب مهمان او بودند.

نیروهای دولتی در کنار پلیس شماری از افراد محل را نیز مسلح ساخته اندتا آنان را دراین جنگ یاری کنند.دراین درگیری یک پلیس ودونفر از این افرادمسلح نیز کشته شدند. چند روز بعد از این حمله در یک درگیری دیگر دونفر از افراد پلیس توسط افراد عنایت در روستای ده شهر در مرز ولسوالی خواهان به قتل رسیدند.

شاهدان عینی می گویند از آن زمان تا کنون حدود صدوپنجاه نفر از افرادی مسلح که از سوی دولت موظف شده اند و در حدود پنجاه تن از افراد عنایت که اینان نیز مسلح هستند، در سراسر روستا های راغ در پی همدیگرمی گردند، وافراد این دو گروه اسباب واباته واعاشه شان را بر مردم تحمیل می کنند.

دولت با این کار به قول برخی از افراد محل یک گروه حریکی ایجاد کرده است اما نه برای تأمین امنیت چنان که در جاهای دیگر انجام شده است، بلکه برای مبارزه با قاچاق چیان!

این وضعیت، منطقه وسیع راغ را به یک منطقه کاملا بی امن تبدیل کرده است و دولت تا هنوز اقداماتی موثر برای پایان دادن به این غائله انجام نداده است، با آنکه دو هیأت از سوی دولت تا کنون جهت بررسی اوضاع موظف شده اند، یکی از سوی وزارت داخله ودیگری از سوی امنیت ملی.

هیأت وزارت داخله گزارشی تهیه کرده است که نقاط مهم آن قرار آتی است:

• عملیات شب اول حمل ۱۳۸۷ دولت کاملا یک عمل خلاف قانون بوده است.

• به افرادی که دراین عملیات دولت کشته وزخمی شده اند باید، دولت خسارت بپردازد.

• مسؤولان دولتی محل، باید تبدیل شوند.

• مقامات محلی که دراین عملیات دست دارند باید مورد بازپرس قرار گیرند.

• متهمان به قاچاق مواد مخدر که شمار شان به حدود ده نفر می رسد، باید دستگیر وبه پنجهٔ قانون سپرده شوند.

• هیأت امنیت ملی، فراتر از هیأت وزارت داخله این عملیات را غیرقانونی ونا درست خوانده است ویکی از دلایل غیرقانونی بودن آن را عدم حضور موظفان سارنوالی وامنیت ملی درتصمیم گیری به انجام آن عملیات تذکرداده اند.

در زمینه عملی کردن گزارش های وزارت داخله وامنیت ملی تاکنون دولت هیچ اقدامی انجام نداده است، در حالی که مردم منطقه از این وضع کاملا به ستوه آمده اند.

فقر کشندهٔ کنونی و تأثیرات ...

در مرتبه یی به مراتب بهتر از وضع کنونی می داشت. اما با درد و تأسف فراوان که نه تنها بهبود ملموسی را در زندگی این ملت و در ایجاد زیر ساخت های اقتصادی در این کشور بینیم که به تعبیر حافظ:

مردمان روز بهی می طلبند از ایام

مشکل آن است که هر روز بتر می بینم

آری اکنون در کشور ما فقر و ناداری بیداد، می کند و طبق خبرها و گزارش هایی که توسط رسانه ها پخش می شود شمار زیادی از باشندگان این سرزمین علف می خورند، ریشه و پوست درخت ها را در سرپل و بدخشان می سایند و می خورند و سد رمق می کنند، نوباوه های جگر بند خویش را در معرض فروش قرار می دهند، جوان هایی که قدرت مشاهدهٔ گرسنگی نفقه خواران خویش را ندارند، به خودکشی دست می زنند و تن فروشی زنان در مراکز بسا ولایات در اثر فشار فقر اقتصادی برخلاف غیرت اسلامی و ملی ما، به حیث آژیر ننگبار ترین خطر، غوغای شگفت زایی را در فضای این کشور اسلامی طنین انداز کرده است که دفاع از دین و ناموس شهرت اصلی آن را تشکیل می دهد و...

امروز زعامت انتخابی کشور آماج نفرین ها و دور شوهای اقشار وسیع گرسنهٔ این ملت قرار می گیرد.

بدون شک این موضعگیری های منفی، از آنجا می خیزد که ملت مسلمان ما در فرهنگ اسلامی و ملی خویش رهبری کشور را مسؤول فراهم نمودن زمینه برای یک حیات آبرومند و با عزت می شناسند.

امروز ملت از یک طرف محروم از زندگی مادی بخور و نمیر است و از جانب دیگر عدالت که چون پایهٔ اساسی هرگونه توسعه به حساب می رود، مردم ما اثر آن را در هیچ عرصه های زندگی خود چه سیاسی و چه اقتصادی و چه اجتماعی نمی بینند. موجودیت بی عدالتی در فرهنگ اسلامی ما خود عامل اساسی فروپاشی نظام به حساب می رود. فلسفهٔ وجود دولت در فرهنگ اسلامی این کشور مسلمان را همانا ایجاد زمینه های امنیت، عدالت، و زندگی اقتصادی آبرومند برای آحاد ملت تشکیل می دهد. زعامت های ناتوان از ایجاد چنین فرصت ها و زمینه ها در واقعیت مشروعیت خود را زیر سؤال می برند اگر چنین نباشد قائل شدن به چنین سیادت و آقایی برای یک عملی چه معنایی خواهد داشت.

جمهوری اسلامی افغانستان برای این که خود را از زیر بار مسؤولیت دور کرده باشد، به پیروی از فلسفهٔ اندیویدوالیزم و فردیت گرا که بر بنیاد این گفته "برنز" که انسان را گرگ انسان می داند، عرض وجود کرده است، در قانون اساسی نظام اقتصادی دولت را نظام بازار آزاد عنوان داده است. نظام اقتصادی که در آن هر فردی مجاز است به هر اندازه یی که می تواند انسان های دیگر را مورد استثمار قرار دهد، و افراد بر بنیاد فلسفهٔ منفعت گرایی و به دست آوردن منفعت بیشتر، از هر راهی که می توانند، خون مردم را که همان سرمایه های ملی این کشور چون معادن و جنگلات و دریاها و علفچرها تمثیل می گردد، بمکند.

آدم اسمیت نظریه پرداز اقتصاد مدرن مشغلهٔ عمدهٔ خود را اهتمام به منافع و مصالح فقیران دانسته و مغفول گذاشتن این منافع، مورد غضب شدید آن قرار داشت.

علت اصلی اثر وضع نابهنجار را باید در مشروعیت بازار آزاد در شرایط کنونی کشور، جستجو کرد شاید بازار آزاد در مرحله یی از مراحل رشد اقتصادی در برخی کشورها مفیدیت خود را ثابت کرده باشد، اما در کشورهای چون افغانستان، طوری که عملاً مردم مشاهده می کنند نه تنها مفیدیت ندارد که داشته های مردم را نیز، از دستش ربوده است افزون بر آن، کارگردانان بازار آزد در کشورما افغان نبوده بلکه کارگردانان اصلی این رژیم اقتصادی در کشور، همان عناصر کلیدی شرکت های فرا ملی اند که به حساب منافع خاص خود کار می کنند.

اما تأثیرات این فقر کشنده:

تأثیرات این بلای خانمان سوز را باید در این گفته های پیامبر صلی الله علیه وسلم به خوانش گرفت آنجا که می فرماید: (الفقر سواد الوجه) یعنی فقر انسان را به روسیاهی می برد و او را به ذلت و خواری می کشاند.

و نیز در حدیث دیگری می فرماید: (کاد الفقر أن یکون کفراً) فقر و ناداری باعث کفر گشته و انسان را به کفر و خروج از دائرهٔ اسلام می کشاند.

اگر وضع کنونی ملت را که برخاسته از فقر اقتصادی ملت است، به بررسی بگیریم، مردم این سرزمین در اثر این فقر کشنده یی که به آن دست و گریبان است رو به ذلت و خواری می رود و این خواری، در حقیقت خواری زعامتی می باشد که ملت انتخاب نموده است.

تجاوز جنسی بر کودکان ...

قانونگذاران برقراری هرگونه رابطهٔ نامشروع جنسی ـ به عنف و یا به رضایت ـ را با کودکی که به سن رشد قانونی نرسیده باشد، تجاوز جنسی می دانند. این مقوله در این حد به پایان نمی رسد، کارشناسان حتی آموزش زود هنگام رابطهٔ جنسی را که از طریق نشان دادن فیلم ها و عکس های مستهجن و یا لمس کردن بدن کودک به منظور لذت بردن و یا وادار کردن کودک به کاری که باعث لذت بزرگسال شود، نیز در این تعریف قرار داده اند.

باید دانست که در قانون مدنی کشورما کودک به دختر و پسری گفته می شود که به سن بلوغ نرسیده باشد، سن بلوغ دختر، تکمیل ۱۶ سالگی و از پسر تکمیل ۱۷ سالگی می باشد.

تجاوز جنسی بر کودکان و یا زنان پدیده یی جدید نیست. این جرم کما بیش همیشه وجود داشته است اما هیچگاه در جامعهٔ ما عوامل آن مورد بررسی قرار نگرفته است. در بررسی این عوامل می توان از مهمترین آن به ترتیب ذیل یاد کرد:

۱- **انحطاط اخلاقی**، یکی از مشکلات فرهنگی نظام کنونی، فروپاشی و انحطاط فرهنگی است. این موضوع را امروزه در بسیاری از محصولات فرهنگی اعم از تولید فیلم ها، موسیقی و آهنگ، برنامه های رسانه های تصویری و شنیداری و حتی عملکردها و رفتارهای ظاهری بسیاری از نوجوانان می‌توان مشاهده کرد. بی تردید پیامد چنین وضعیتی همانا از دست رفتن معنای زندگی برای بسیاری از جوانان است که آنها را به سوی بی بند و باری هایی مانند دروغ گفتن، خیانت در امانت، قانون شکنی، ارتکاب جرم و جنایت، ارضای غرایز شهوانی و لذت های آنی جسمانی و برقراری روابط جنسی حتی با کودکان و... می کشاند.

۲- **آزاد گذاشتن کودک در برقراری روابط با دیگران**، اغلب والدین ترجیح می دهند فرزندان خویش را در برقراری روابط با دیگران آزاد بگذارند و در مورد این که فرزندان شان دارای دوستان سالم هستند و یا خیر؟ بی توجهی اختیار می کنند. بناءً بسا امکان دارد که آزار کودک توسط همین دوستان ناسالم صورت بگیرد. والدین بایداز دوستان پسران نوجوان خود مراقبت لازم را به خرچ دهند و از شخصیت و رفتار آنان آگاهی کامل داشته باشند.

۳- **ترس کودک از تهدید اعضای خانواده**، بسیاری از کودکان در گفتن بسیاری از حقایق حتی زمانی که مورد آزار و اذیت جسمی قرار می گیرند، از ترس این که مورد لت و کوب والدین و یا اعضای خانوادهٔ خویش قرار نگیرند، این موضوع را از آنان پنهان می نمایند که این خود باعث می شود تا موضوع کودک آزاری از نظر والدین پنهان بماند.

۴- **موجودیت فقر اقتصادی**، باعث شده که برخی به منظور دست یافتن وضع معیشتی بهتر و به دست آوردن پول بیشتر به سوء استفاده از کودکان ـ هرچند جنسی ـ روی آورند.

۵- **بی سرپرستی کودکان**، بدون شک دوران کودکی مستلزم مراقبت و مساعدت ویژه از کودک است. کودک برای رشد کامل و هماهنگ شخصیت خود باید در محیط خانوادگی و در فضایی مملو از خوشبختی و تفاهم و محبت رشد نماید. اما متأسفانه بسیاری از کودکانی که به دلیل فوت پدر، معلول بودن پدر، عدم تمکن مالی خانواده و... بی سرپرست هستند و در نتیجه آنان در معرض استفادهٔ جنسی قرار می گیرند. به گونه یی که بسیاری از کودکانی که در مرحلهٔ تعلیم و تربیت قرار دارند و نیازمند به آغوش گرم خانواده هستند، به ولگردی، اشتغال به کارهای شاقه مانند موتر شویی، پنجرمینی و دست فروشی اقدام کنند و رفته رفته در اثر هم صحبت شدن با انسان های بداخلاق، طعمهٔ سوء استفاده جنسی می گردند.

۶- **عدم موجودیت دستگاه قضایی سالم**، برخی ها، عدم موجودیت دستگاه قضایی سالم و عدم قانونمندی را از جملهٔ عوامل عمدهٔ افزایش تجاوز جنسی بر کودکان می دانند و بر این باورند که عدم تطبیق قانون بر مجرمین باعث گردیده که چنین خشونت هایی روز به روز در افغانستان ازدیاد یابد. اما اخیراً اصدار حکم اعدام بر مردی که مرتکب تجاوز جنسی بر یک دختر هشت ساله و قتل او شده بود، این امیدواری را برای مردم داده است که مسؤولان دولتی متوجه این پدیدهٔ ظالمانه شده اند و عاملان آن را مجازات می کنند. امیدواریم قوهٔ قضاییه نسبت به این مساله هرچه بیشتر حساس شود.

به امید روزی که با طرح مسائل مربوط به کودکان و آشنایی افراد به خصوص والدین کودک تعداد کودکان آسیب دیده کاهش یافته و نظام کار آمدی برای پیشگیری از کودک آزاری به وجود آید.

فرصت ها و چالش های کنفرانس ...

میان دولت و کشورهای خارجی کشمکش هایی صورت گرفته است، حتا گفته می شود برخی وزرای کابینه نیز، حمایت یکی از کشورهای خارجی را با خود دارند.

تحمیل ارزش های فرهنگی کشورهای خارجی و اعمال نفوذ جهت تحکیم این ارزش ها، تحت عناوین حقوق بشر و تحت فشار قرار دادن گرایش های خاص سیاسی و ایدئولوژیکی و ملی نیز، توسط برخی کشورها و نهادهای خارجی عملی می گردد.

با توجه به روحیهٔ استقلال طلبی مردم افغانستان، این سیاست می تواند پی آمدهای شدیدی به بار بیاورد.

نتیجه گیری

دولت افغانستان پیش بینی می کند، با به دست آوردن این کمک ها در بخش های مختلف از جمله زراعت، راه سازی، تولید انرژی و توسعهٔ آموزش و پرورش پیشرفت هایی قابل ملاحظه یی به میان آمده و اقتصاد افغانستان به شگوفایی برسد، اما امیدواری قابل اطمینان زمان بیشتری نیاز دارد.

بعد از برگزاری سه کنفرانس بین المللی، کنفرانس پاریس، فرصتی خوبی برای ارزیابی تعهدات گذشته و بازنگری در نحوهٔ مصرف تعهدات جدید بود، فکر می شود تا هنوز چنین ارزیابی و بازنگری انجام نیافته است، علاوه بر آن تضمینی وجود ندارد که موانع و چالش هایی که موفقیت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان را تهدید می کند برطرف شود. به همین علت شماری از صاحب نظران در زمینهٔ نتایج مثبت کنفرانس پاریس، اظهار تردید می نمایند. این عده می گویند پول های وعده داده شده در کنفرانس پاریس نیز مانند گذشته به جیب نهادها و انجوهای خارجی و یا اختلاس گران داخلی خواهد افتید و در حقیقت موفقیت و دست آوردهای کنفرانس پاریس به نفع آن ها خواهد بود نه به نفع مردم افغانستان، همچنان که بعد از هفت سال از نخستین کنفرانس یعنی کنفرانس توکیو، شمار فقیران و گرسنگان در کشور بیشتر شد بعد از پنج سال دیگر، ممکن است صفوف گرسنگان طولانی تر شود و سفره های بیشتری تهی گردد.

مولوی عبدالحکیم مجاهد

مبارزی در روزهای دشوار



مولوی عبدالحکیم مجاهد یکی از مجاهدان نام دار ولایت بدخشان است. او از آغاز جهاد تا آخرین روزهای حیات در چند ماه پیش به معنای واقعی کلمه مجاهد زیست.

مولوی عبدالحکیم مجاهد در سال ۱۳۱۲ هجری خورشیدی در روستای غوزک درهٔ ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان چشم به جهان گشود. وی در کودکی در روستایش به آموختن علوم مروجهٔ دینی پرداخت و سپس در نزد مولانا عبدالله در روستای دانشمندان ارگو به کسب علم اشتغال ورزید. پس از آن سالیانی در ولایت تخار و بلخ و وردک به تحصیلاتش ادامه داد و سپس به پاکستان رفت و در مدرسهٔ نقش سند فراغت در علوم دینی به دست آورد و به وطنش بدخشان بازگشت. در روستای غورک درهٔ ارگو مدرسه یی تأسیس کرد و شاگردانی به دور او حلقه زدند.

مولوی عبدالحکیم در بدخشان از نخستین مجاهدانی است که تابستان سال ۱۳۵۸ دست به قیام مسلحانه برضد رژیم کمونیستی زدند.

مولوی عبدالحکیم جهت انجام دادن برخی از ماموریت های جهادی چندین بار به پاکستان به دیدار رهبری جهاد رفت اما هیچ گاهی دل از سنگر و رزمندگان نکند و همواره حضور در سنگر جهاد را بر ماندن در پاکستان ترجیح می داد.

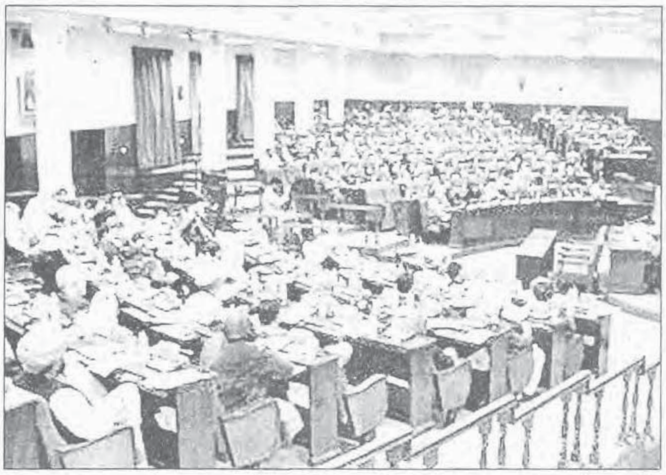
مولوی عبدالحکیم مجاهد در انجام دادن حملات جرأتمندانه بسیار شهرت داشت بارها وی با چند نفر محدود در نزدیکی های شهر فیض آباد و پایگاه های ارتش شوروی علمیات نظام انجام داد، قرارگاه مولوی عبدالحکیم در نزدیکی یکی از مراکز بسیار مهم نیروهای اتحاد شوروی در مرکز بدخشان قرار داشت و او پیوسته هدف حملات هوایی و زمینی دشمن بود اما هیچ دیده نشده است که مولوی عبدالحکیم زیر فشار عقب نشسته باشد. بعضی از دوستان مولوی عبدالحکیم می گویند که در جنگ هایی او با نیروهای شوروی انجام داده است بیش از صد تن از افراد آنان را کشته و نیز چندین نفر از نیروهای اتحاد شوروی را به اسارت گرفته است.

مولوی عبدالحکیم مجاهد با آن که یک فرماندهٔ بسیار دلیر و جنگاور بود به زهد و عبادت شهرت داشت، ظاهراً آرام و وقور داشت. در سال های پسین جهاد مشکلاتی درمیان مجاهدین در منطقهٔ ارگو به میان آمد او منطقه اش را ترک کرد و به ولسوالی خاش بدخشان رفت و در آنجا در مدرسهٔ ده پارهٔ خاش به تدریس علوم دینی پرداخت.

مولوی مجاهد در سال ۱۳۸۲ به حج رفت و سرانجام در ۱۲ دلو سال ۱۳۸۶ در روز جمعه این جهان فانی را پس از ۷۴ سال زندگی وداع گفت: إنا لله و إنا إليه راجعون

د پارلمان دوبنی رخصتی د څه لپاره؟

شفیق



یوه ا ونی وړاندي پداسي وخت کې د هیواد د پارلمان دوبنی رخصتي پيل شوې چې د اطلاعاتو او کلتور د وزیر ښاغلي عبدالکریم خُرم د یوې پریکړې په نتیجه کې د اصطلاحاتو او نومونو په سرد ناندریو د لویې توپ د ولسي جرګې میدان ته نوي توغندلي وُا و د ملکي مامورینود معاشونو لایحه د تصویب په حال کې وه.

افغان ولس ته دا مهمه نده چې پوهنتون وئیلي شي اوکه دانشګاه او یا دې ورته بله کومه اصطلاح ، خو هغه چې مهمه ده د هیواد د پارلمان د وخت ارزښت دی ؛ ځکه د درېو لسیزوپه دوران کې ویجاړ افغانستان د لفظي جګړو او ناندریو پرځاي پرله پسې کار او زیارته ته اړتیا لري او د ملیاردونو افغانیو په لګښت سره منخته ته راغلی پارلمان د هیواد د اجرائیه او قضائیه ارګانونو تر څنك په دریګونو قوتونو کې له ټولو زیات درونډ مسؤلیت لري : ولې چې ددې مقننې اداري غړي دولس استازي او د حکومت او رعیت ترمینځه د پل حیثیت لري خو عجیبه داده چې دوی د خپلو نورو امتیازاتو ترڅنګه له زده کوونکو او دولتی مامورینو څخه هم د ډیرو رخصتیو غوښتونکي دي . نو پوښتنه داده : آخر کوم علت دی چې د پارلمان غړي خپلو موسمي رخصتیو ته دومره لیواله دي او له هغوی زیات ورته ولسمشر هم لیواله وي چې د ژمي او دوبي رخصتي ورته په پوره پابندۍ سره اعلانیږي او ښایي چې زمونږ د دولت لخوا همدا یوازینې هغه کار وي چې په پشپړ اخلاص سره یې پوره کوي. حقیقت خو دادي چې رخصتي اخستل او ورڅخه ګټه پورته کول د هغه چا حق وي چې د کار او زیار وروسته د آرام وړ کرځیدلی وي. پداسي حال کې چې زمونږ د پارلمان د غړو په رسمي ورځو کې حاضری هم هغه ناندریزه مسئله وه چې د هیواد رسنیو به هره ورځ دپارلمان د غړو پر ځاي د هغوی خالي څوکۍ ښودلې او ځینې غړي خوپارلمان ته راتك د ځان بی عزتی ګڼي چې لاملیږ یې د یو شمیر غړو لخوا د څو میاشتو راهیسي د پرله پسې غیاب په نتیجه کې د ولسي جرګې دارالانشاء دې ته اړ شوه څو د غایبو وکیلانو لست خپور کړي او هغه هم پس له ډیرو استخارو او مشورو وروسته څو په غایب اعلان شوو وکیلانو کې زورور خلك خپه نشي ؛ ځکه د کرزي دولت له لومړی ورځې راهیسې د قانونیت او قاطعیت پر ځای د سازش او نوازش په پالیسیو کې خپله بقاء ویني او د لوي څارنوال هره چیغه په هدیره کې اذان وي. نو اوس یوه پوښتنه داده چې ددې پارلمان هغو غړو چې د ټاکنو پر مهال یې دخپلو ځانونو پارلمان ته د رسولو لپاره په میلونونو لګښت کړی وُ چې ددوي د پریمانو پیسو په برکت په ډیرو ځایونو کې د ملت په سترګو هم پردې خوري شوې وې او ځینو خو بیا د یوناما له معاشونوسربیره (چې مامورینو ته یې ورکول کیدل) هغه مامورین هم نازول او تطمیع کول.نو آخر کوم درد هځولی وُ چې نن د هغی د نشتوالي له امله په پارلمان کې د خپل شتون پر ځاي په غیاب خوښ دي او د هغو بادردو افغانانو ځاي یې نیولي چې ښایي پارلمان ته د هغو په ورتګ ددې ضرورت نه وُ پیدا شوی.

او دوهمه پوښتنه داده چې پارلمان او په ځانګړي توګه ولسي جرګې ته په څه د پاڅه دریو کلونو کې څه کړي او تر اوسه څه لاسته راوړنیی لری : د وزیرانو له استیضاح پرته او هغه هم ناکامه او بې نتیجې استیضاح. نورنوپارلمان په دومره موده کې کوم د یادوني وړ کار تر سره کړیدی ؟ پارلمان کې موجود استازي خو د ولس نمایندګان وي، دوي ولې په خپلو سیمو کي د امنیت په راوستو کې اغیز نه لري، د ولس استازي خو په ولس کې محبوبیت او ځاي لري، د هغوي پریکړه او خوښه ولس خپله پریکړه او خوښه ګڼي نو ولې دغو ښاغلو د درېو کلونو په موده کې و نشو کولی چې د ولس بنیادي ستونزې حکومت او ولسمشر ته ورسوي او د رعیت او حکومت ترمینځه په ریښتنی معنی د پل کردار اداء کړي .همدارنګه په پارلمان کې موجوده کمیسیونونه چې باید هر یو د خپل اړوند وزارت سره نیغ په نیغه اړیکه ولري، ولې نشي کولاې د ملت د استازو په توګه د قانون جوړوني او مشورې ورکوني له لیاري د حکومت مرستندوي واقع شي او د ښووني او روزنې، روغتیا ،سوداګری او صنعت . او د اوبو او بریښنا او دې ته ورته دولس نورو بنیادي اړتیاوُ د وضعې د ښه کیدو او هراړخیزې بیارغاوني او آبادی په ډګرونو کې ګټوري مشورې او د ولس غوښتنې د حکومت غوږونو ته ورسوي او له یوې ورځي څخه بلې ته د دولت د عوایدو د کچې د لوړوالی پروسه تعقیب او د استیضاح کارت استعمال کړي چې نه یکې د ګمرکاتود مسؤلینو شخصي عواید د دولت له عوایدو څخه ډیر شي او نه د آزاد بازار له برکته د هر وزارت سره دمؤسسو، انجوګانو او شرکتونو په نوم پټ هغه متوازی حکومت ریښنی وغزوي چې په حقیقت کې دوزیرانو شخصي جیبونه اوپراپرتی دي. په وزارتونو کې د پاس کیدونکو بیلونو او پیرودل شوو اجناسو ترمینځه د کمیت او کیفیت له مخې توازن وپوښتل شي او وکتلاي شي چې په ملیاردونو راغلي ډالر په کوم ځاي او په څه توګه مصرف شوي دي. پدې اړه د پارلمان غړوملت ته تر اوسه هیڅ ندي وړاندي کړي او بیا هم د اوړي رخصتي غواړي. پداسي حال کې چې د پایتخت موسم په دوبي کې کار او زیار ته د ادامې ورکولو لپاره مساعددی .کاشکې څمونږ دولس استازي - لکه چې ولسمشر ورڅخه د رخصتیو د اعلانولو پرمهال غوښتنه هم کړیوه -ولس ته ورغلی واې. خو ترکومه چې مونږ وینو ډیری استازي همدلته په کابل کې میشت دي. نو پوښتنه داده چې د پارلمان لپاره د وبنی رخصتی د څه لپاره؟

خشک سالی در افغانستان ...

همچنان سیف الدین سیحون استاد در دانشگاه کابل، در گفتگو با هفته نامهٔ مجاهد برنامه هایی را در زمینه پیشنهاد کرده است:

"حمایت از محصولات کشاورزی برای تأمین غذایی مورد نیاز، ارزیابی ذخایر و توجه به عرضهٔ اضطراری و سریع مواد اولیه به نیازمندان از طریق دولت و مؤسسات امداد رسانی ملل متحد و کشورهای کمک کننده باید هماهنگ گردد.

در حالت اضطراری و پیش از آن یک شبکهٔ گستردهٔ معلوماتی در مورد آسیب ها، در سطح ملی تشکیل گردد تا بحران را ارزیابی و مهار کند. در همین مدت توجه به تولیدات مواد غذایی اولیه و بهبود شرایط زندگی خانواده ها ی آسیب پذیر از طریق آموزش فنی و اعطای کریدت به دهاقین، ایجاد صندوق های کمک به زدودن فقر روستایی و احداث مؤسسات کردیتی به روستائیان در بخش های ماهی پروری، مرغداری، ذخیرهٔ مواد غذایی، سرد خانه ها، توجه به آبیاری اراضی، مهار آب ها، احداث بند ها، نهرها را می توان برای تأمین مصؤونیت غذایی مطمئن پیشنهاد کرد.

مؤسسات بین المللی می توانند اقدامات فوق را در هماهنگی نهاد های دولتی سامان بخشند. این مؤسسات با توجه به قرار کودکان درآموزشگاه ها، احداث جاده هایی روستایی، سازماندهی کار در برابر غذا ، وسایر تأمینات اجتماعی دیگر را مد نظر قراردهند. فعالیت های گستر ده تر دیگر مانند احداث آموزشگاه ها، بیمارستان ها وغیره را احتواکند.

تهیهٔ یک وقت غذا برای اطفال در آموزش گاه ها و توزیع مواد برای مادران باردار، سالخوردگان، و جذب کودکان و مادران آسیب پذیر، به درمانگاها و سواد آموزی در برابر تغذیهٔ مناسب، می تواند تحقق یابد.

مؤسسات امداد رسانی می توانند، کمک مالی، طرح های بشر دوستانه آماده نمایند و از پروژه های اجتماعی حمایت مالی کنند. این برنامه ها اگر با دقت و روحیهٔ انسان محوری و کمک به آسیب دید گان طرح گردد می تواند، بخشی از نارسایی ها و گرسنگی مزمن راکاهش دهد".

ترازیدی معارف ...

وزارت معارف در ایجاد این نقیصه عوامل متعددی را موثر می داند، عدم موجودیت معلمان دارای دانش مسلکی، شیوه های ناکارآمد تدریس، عدم موجودیت فضای آموزشی مساعد و مواد آموزشی، از جملهٔ این عوامل قلمداد می شود. همچنان اقدامات تخریب کارانهٔ مخالفین مسلح دولت نیز عامل عمده به حساب می آید.

رئیس جمهور و وزیر معارف در همایش بین المللی بهبود آموزش که یک ماه قبل، جهت جلب کمک به معارف تدویر یافته بود، گفتند که، حدود شش صد مکتب در ولایات جنوب کشور به دلیل نا امنی ها بسته شده، و حدود سه صد هزار دانش آموز از فراگیری تعلیم محروم گردیده و حدود صدو پنجاه معلم و شاگرد شهید و یکصد مکتب به آتش کشیده شده است.

البته همیشه گروه های مخالف دولت، دست به تخریب تأسیسات دولتی می زنند، مکاتب و تأسیسات تعلیمی از جملهٔ این تأسیسات می باشد. اما از ناحیهٔ این اقدامات تخریبکارانه فرزندان و نونهالان وطن متضرر می گردند. زیرا از آموزش باز می مانند، و در نتیجه بار دوش و دردسر جامعه و فامیل می شوند.

سوختاندن مکتب، نخست تخریب و تابودی عام المنفعه کشور است و ثانی، ایجاد رعب و ترس و زیر سوال قراردادن حاکمیت را در پی دارد، اما بهای آن را اولاد این وطن می پردازند، که با بسته شدن مکتب، به عرصهٔ دیگری رو می آرند، در کنار جنگجویان مسلح قرار می گیرند، به مواد مخدر اشتغال می ورزند و به جمع دست اندرکاران جنایات و ناهنجاری می پیوندند و بدین صورت جامعه ناسالم تر و نکبت بارتر ببار می آید.

بناءً تا زمانی که امنیت نداشته باشیم، معارف و آموزش درست نداریم. و تا زمانی معارف پربار نداشته باشیم، جامعهٔ سالم و مرفه نخواهیم داشت.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش‌هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ چهارم شنبْه ۲۵ جوزا ۱۳۸۷– ۹ جمادی الثانی ۱٤۲۹ – 14, Jun 2008

راه پیمایی بزرگ در اسلام آباد علیه پرویز مشرف

گروهی از مخالفان رئیس جمهور پاکستان برای برگزاری تظاهرات به نفع قضات برکنار شده دادگاه عالی در پایتخت آن کشور راهپیمایی بزرگی را برگزار کردند.

روز جمعه، ۲۴ جوزا، گروهی از حقوقدانان و صدها تن از مخالفان پرویز مشرف، رئیس جمهور پاکستان، در راهپیمایی اعتراضی خود از نقاط مختلف این کشور، وارد اسلام آباد شدند و تظاهرات بزرگی را در برابر ساختمان پارلمان و دادگاه عالی این کشور برگزار کردند.

راهپیمایان خواستار بازگشت افتخار محمد چودری، رئیس، و سایر قضات دیوان عالی هستند که به دستور پرویز مشرف، رئیس جمهور آن کشور، در ماه نوامبر سال گذشته برکنار شدند.

حقوقدانان طرفدار آقای چودری برکناری او را غیرقانونی دانسته می گویند که بازگشت قضات برکنار شده برای دموکراسی و عدالت در پاکستان حیاتی است.

با نزدیک شدن راهپیمایان به اسلام آباد، مأموران پلیس مسیرهای منتهی به ساختمان پارلمان و دادگاه عالی را مسدود کرده و در برابر





این دو ساختمان سنگر گرفتند.

پولیس ساحه یی را در نزدیکی این دو ساختمان که معمولاً از آن برای برگزاری مراسم رژه استفاده می شود برای اجتماع راهپیمایان اختصاص داده است.

دولت ائتلافی پاکستان، که از احزاب مخالف پرویز مشرف تشکیل یافته، سعی دارد از برخورد خشونت آمیز با تظاهرکنندگان اجتناب ورزد و به همین دلیل، تسهیلاتی را در اختیار آنان قرار داده است.

در صورت بازگشت قضات پیشین ممکن است انتخاب پرویز مشرف که قبل از استعفا از پست ریاست اردو صورت گرفته مورد بررسی قرار گرفته و غیر قانونی اعلام شود که این اقدام برکناری قانونی مشرف را در پی خواهد داشت.

مسألهٔ بازگشت به کار قضات دادگاه عالی به موضوع اصلی برای دولت ائتلافی به رهبری حزب مردم پاکستان تبدیل شده است.

بازگشت قاضیان برکنار شده باعث اختلاف میان حزب مردم به رهبری زرداری و نواز شریف و خروج وی از حکومت گردید. نواز شریف، رهبر حزب مسلم لیگ خواستار بازگشت فوری قضات برکنار شده به سمت های قبلی شان است، آقای شریف از راهپیمایی حقوقدانان حمایت کرده و بر بازگشت به کار قضات برکنار شده دادگاه عالی اصرار دارد.

خشک سالی در افغانستان

ظرفیت ها و اقدامات مورد نیاز

گزارشگر: نذر الله عنایت

درسال جاری به علت تغییرات آب وهواو کم بارانی نقاط مختلف کشور را خشکسالی فراگرفته ونگرانی شدید ی در میان مرد م ایجاد نموده است. هم اکنون اثرات ویرانگر این خشکشسالی در بر خی ولایات رونما شده است.

اما این نخستین خشک سالی در کشور نیست، از چندین سال بدین سو افغانستان با خشک سالی رو برو است و تا هنوز هیچ چاره در زمینه روی دست گرفته نشده است اما آیا افغانستان دیگر برای زندگی کردن محیط مناسبی نیست و مردم سرزمین دیگری را برای زندگی انتخاب کنند و یا این که می شود با اجرای بر نامه ها این وطن را محیط مناسب برای حیاتِ ساخت؟

بدون شک افغانستان ظرفیت بسیار گسترده یی جهت تهیهٔ غذا برای فرزندان خویش دارد، آنچه را که ندارد یک نظام است که طبیعت این سرزمین را آمادهٔ زندگی کردن بسازد و از فرصت هایٔ که خداوند برای مردم عنایت نموده استفادهٔ به جا صورت گیرد، در زمینهٔ این فرصت ها آقای سید مسعود استاد دانشگاه کابل در مصاحبه با هفته نامهٔ مجاهد گفته است:

"ما از لحاظ آب و زمین بسیار غنی هستیم، ما تنها از دوازده درصد اراضی خویش استفاده می کنیم. ازجانب دیگر ٪۷۰ آب های ما از کشور بیرون می رود و درخدمت کشورهای همسایه قرارمی گیرد.

در گزارشی که بانک جهانی ارایه کرده و مؤسسهٔ غذایی جهان آن را تأیید کرده زمین های قابل کشت و آب فروانی که افغانستان دارد در صورت اجرای طرح های بزرگ می تواند برای ۱۶۷ میلیون نفر غذای کافی تهیه نماید. اما این که خشکسالی تأثیرات بدی بر مردم و کشور ایجاد می کند به این علت است که ما هیچ گاهی از منابع و ذخایر طبیعی خود استفاده نمی کنیم، و کاری را در زمینه انجام نداده ایم".

طوری که روشن است پیامد های ویرانگر خشکسالی هم اکنون نمایان گردیده و هزاران خانواده به دنبال غذا و آب از خانه و روستای خویش بی جا شده اند. اما متاسفانه دولت تا هنوز هیچ طرحی برای متضررین و گرسنگان اعلام نکرده و یا به مرحلهٔ اجرا در نیاورده است. این بی برنامگی و یا مسؤولیت نا پذیری ارگان های دولتی می تواند عواقب خطرناکی در این جا داشته باشند، به منظور جلوگیری از وقوع فاجعهٔ انسانی دولت باید بدون از دست دادن فرصت دست به کارشده برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت را روی دست گیرد.

ادامه درص۷

افغان ولسمشر حامد کرزی ...

د پراختیا لپاره د اتیا میلیونه ډالرو مرستي اعلان وکړ، چې د دې مرستی نیمایي برخه د امریکایي پوهنتون د ځانګي او پاتی نیمایي د لیک لوست دودې او پراختیا لپاره په راتلونکو پنځو کلونو کې ورکولای کیږي.

افغان ولسمشر حامد کرزی له لورا بوش سره له لیدنې وروسته خبریالانوته په یوه وینا کې وویل چې لورا بوش د افغانانو ډیر ښه ملګرې ده د افغانانو له دردونو ښه خبره ده، چې د ښځو د ښوونې او روزنې او د هغوی د ژوند د حالت د ښه والی لپاره یې ډیر کوښښونه کړیدي.

لورا بوش په خپل دغه سفر کې (چې افغانستان ته یې دا دریم سفر دی) د څو ساعتونو لپاره د بامیانو ولایت ته هم لاړه او هلته یې په کابل کې د امریکا د سفیر ویلیام وود او د بامیانو د والي حبیبه سرابي سره یو ځای د بامیانو د ښار داخلي سرک پرانیست، کوم چې ۱۹۶۰ متره اوږدوالی لري او د نهه سوو زرو امریکایي ډالرو په لګښت جوړیږي چې د متحده ایالاتو د یوې ولایتي انکشافي اداری د بیا رغاونی له یو تیم لخوا ورکړای شوی دي او دري افغاني ساختماني شرکتونه په کې فعاله ونډه لري.

طمع کیږي چې لورا بوش به د پاریس هغې غونډې ته هم لاړه شي چې د افغانستان سره د مرستي لپاره رابلل شوې ده.

رویداد های مهم هفتهٔ گذشته

چند تن از افراد مشهور طالبان در ولایت کاپیسا کشته شدند

منابع امنیتی در ولایت کاپیسا گفته اند، درپی عملیات قوای ناتو در ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا ، که شب شنبه تاریخ ۱۹ جوزا صورت گرفت، چند تن ازفرماندهان معروف شورشیان کشته شده اندنام این افراد اعلام نشده است.

سفرلورابش به افغانستان

لورا بوش روزیکشنبه مورخ ۸۷/۳/۲۰ دریک سفر اعلام نا شده به کابل رسید وپس از آن توسط چرخبال ، به ولایت بامیان رفت .

خانم پوش در بازگشت ازبامیان با حامد کرزی رئیس جمهور کشور درکابل ملاقات نموده، کمک هشتاد میلیون دالری را به افغانستان وعده نمود.

۲ سرباز بریتانیای درهلمند کشته شدند

۲ سرباز بریتانیایی روز پنجشنبه ۲۳ جوزا در جنوب افغانستان کشته ویکتن زخمی شدند.

سربازان برتانیایی درولایت ناآرام هلمند زمانی کشته شدند که مصروف گشت زنی بودند.

باکشته شدن این ۲ سرباز، آمار تلفات عساکر انگلیس ازسال ۲۰۰۱ تا کنون به ۱۰۲ نفر رسید.

سقوط یک هلیکوپتر نیروهای ائتلاف در قندهار

یک چرخبال نیروهای ائتلاف به روزشنبه ۱۸ جوزا درولایت قندهار سقوط کرد ودو سرنشین آن جان داد . هویت کشته شدگان افشا نشده است.

خبرنگاربی بی سی در هلمند کشته شد

عبدالصمد روحانی خبرنگار رادیوی بی بی سی، روزشنبه ۲۱ جوزا ازشهرلشکرگاه مرکزولایت هلمند، ناپدیدگردیدوروزیکشنبه جسد بی جان وی ازیک قبرستان کشف گردید. والی ولایت هلمند گفته است این قتل را طالبان انجام داده اند.

انفجار درزندان پلچرخی

انفجار یک تانکر گاز در لوای محافظان زندان پلچرخی جان چهار تن محافظان راگرفت. در اثر این انفجاری که روز سه شنبه ۲۳ جوزا به وقوع پیوست چهار نفر از زندانیانان محبس،کشته شدند.

قوماندان کفتر به دولت پیوست

خانم کفتر یکی از فرماندهان سابق که به صورت خودسرانه با افراد و سلاح دست داشته خویش در مخالفت با دولت قرار داشت، به تاریخ چهارشنبه ۲۲ جوزا، خود را به نیروهای دولتی تسلیم نمود.

بی بی سی مفقود شدن میلیاردها دلار در عراق را فاش کرد

بر اساس تحقیقات بی بی سی حدود ۲۳ میلیارد دلار در عراق دزدیده یا گم شده و یا به درستی مورد حسابرسی قرار نگرفته است.

بی بی سی با استفاده از منابع دولتی آمریکا و عراق میزان منفعتی را مشخص کرده است که پیمانکاران خصوصی در طول جنگ عراق و بازسازی آن به دست آورده اند .

با این همه یک حکم دولت آمریکا مانع از به بحث گذاشته شدن علنی این اتهامات است که مربوط به ۷۰ پرونده مطرح در دادگاه علیه برخی از شرکت های مشهور آمریکایی می شود.

راه اندازی عملیات نظامی درشمال شرق کشور

اردوی ملی عملیات نظامی را در چهار ولایت شمال و شمال شرقی به منظور پاک سازی این ولایات از وجود شورشیان راه اندازی کرده است.

در این عملیات که صبح روز یکشنبه ۱۹ جوزاآغاز شده، نیروهای بین المللی و پولیس نیز شرکت دارند.

سخنگوی وزارت دفاع گفت که ولایات کندز، تخار، سمنگان و بغلان،در محور این عملیات قرار دارد.